

ع

غانم، سیمین [Simin Qanem]: خواننده خوش صدا و قدیمی و همدوره با پری زنگنه و سیمین قدیری و افسانه که از قدرت صدای بالائی برخوردار است. سیمین غانم، سالها با ارکستر فرهنگ و هنر پیش از انقلاب همکاری داشت.

از ترانه های ماندگار سیمین غانم میتوان به: آتش با شعر سعید طیبی، جنگل تن خیس کبود (پرنده) با شعر؛ اردلان سرفراز، رقص باران با شعر عمران صلاحی، گل گلدون من با شعر؛ ایرج جنتی عطائی و بسوزان، نامه هایم رابسونان با شعر عبدالله الفت، خانه ی دل، شعر از معینی کرمانشاهی، ابر پائیز، شعر از بهادر یگانه میتوان اشاره کرد.

غبار رازی [Gobâr Râzi]: غبار رازی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی بدنیا آمد. او در هشت ماهگی بر اثر ابتلاء به آبله بینائی خود را از دست داد. این شاعر به حرفه عطاری اشتغال داشت. سروده های این سخن ور نابینا بسیار روان و دارای مضامین تازه است. غبار رازی در سال ۱۳۳۱ خورشیدی درگذشت.

غباری گیلانی [Qobâri Gilâni]: از موسیقیدان ها و نوازندگان عهد صفویه.

غجک [Qejak] لطفاً به غژک نگاه کنید.

غجکی، سید احمد [Seyyed Ahmad Qejaki]: از نوازندگان مشهور عصر تیموری و سده نهم هجری است.

غدیری، اسماعیل [Esmâil Qadiri]: نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با رضا روان بخش و رضا قلی خان.

غراب زاده [Qorâbzâde]: خواننده قدیمی و همدوره با مرتضی نی داود که در سالهای پس از ۱۳۲۰ در رادیو آواز می خواند.

غراب، سید حسین [Seyyed Hoseyn Qorâb]: خواننده مشهور قدیمی و همدوره با طاهر زاده، رضاقلی خان نوروزی که تصنیف می خواند، علی خان نایب السلطنه، سید احمد ساوجی، سارنگ، قربان خان قزوینی و علی خان.

آ,â A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Írán) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

غربال [Qarbál]: سازی است کوبه ای که به آن تبوراک هم میگویند.

غرب مازندران، موسیقی [Musiqi Gard Mázandaràn]: موسیقی غرب مازندران از چالوس تا غرب رودخانه نشتارود را شامل میشود. این موسیقی، ترکیبی از ویژه گی های موسیقی نواحی شرقی گیلان چون دیلمان و اشکور و نواحی مرکزی مازندران است. در این منطقه هیچ رد پائی از موسیقی شرق مازندران و موسیقی گذاری بچشم نمی خورد. این درهم آمیزی فرهنگی را به جز موسیقی، در دیگر آداب و رسوم و حتی زبان، در غرب مازندران میتوان دید.

از یک سو، بسیاری از مقام ها و آوازهای مناطق مرکزی مازندران چون؛ امیری و طالب در غرب مازندران وجود دارد و از سوی دیگر، منظومه ها و سوت های مناطق مرکزی و شرقی مازندران، جای خود را به منظومه هائی چون؛ عزیز و نگار، سفوری، کاکویی می سپارند.

در منطقه دوهزار، در مازندران غربی، با نواهای چوپانی بسیاری که نام اصلی آنها فراموش شده رویرو میشوند که شباهت بسیاری با؛ گله رابردن و میش حال، در مناطق مرکزی مازندران دارند.

سورنا نوازان غرب مازندران، نغمه هائی می نوازند که بی شباهت به «رو و نی و یک چوبه نیست، و این در حالی است که برخی از نغمه های چوپانی؛ گیلان بیه پیش، همچون: گوسند خان با پذیرفتن تغییراتی چند در مازندران غربی نیز شنیده میشود.

در موسیقی عروسی نیز قطعه های وام گرفته از گیلان چون: ورزاجنگ، پهلوانی و رقص قاسم آبادی نیز وجود دارد که با سورنا و دهل نواخته میشود.

در غرب مازندران، طایفه هائی از گردهای افشار، گردهای لک و نیز گذارها حضور دارند که از نظر فرهنگی تأثیر گذار بوده اند. در این میان نوازندگان و خوانندگان گرد و افشار، حضور فعال تر دارند و نغمه های، گیلان بیه پیش و مازندران مرکزی را دست نخورده و اصیل تر روایت می کنند. سازهای رایج در مازندران غربی، محدود به نی، سورنا و دهل است. در این منطقه، نقاره های دوتائی گیلان یا مازندران مرکزی دیده نمیشود.

دهل همراهی کننده سورنا، دو طرفی و شبیه به دهل های خراسانی یا گودی است و به احتمال زیاد ره آورد گردهای افشاری است که با خود به مازندران آورده اند.

غرطبه [Qartabe]: سازی است رشته ای مقید از رده تنبور که به آن عرطبه یا عوطبه نیز گویند.

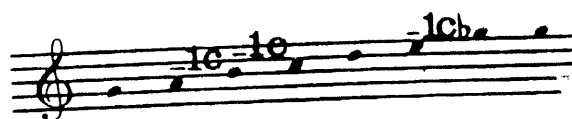
غرنگ Qarang: در لغت به معنی ناله و آواز حزین برآمده از گلوست.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdan) O,o V,v چوب (Cub) U,u C,c زاله (Zále) Z,z

غریب گرگانی، غلامحسین [Qolām Hoseyn Qarib Gorgāni]: از روسای هنرستان عالی موسیقی که از سال ۱۳۳۹ خورشیدی تا ۱۳۵۱ بمدت ۱۲ سال در این پست انجام وظیفه نموده است. این هنرمند از اعضای صداخانه ملی در وزارت فرهنگ در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بود.

غریو [Qariv]: بانگ، فریاد، فغان و خروش را گویند.

غزال [Qazāl]: از مقامات چهل و هشت گانه صفی الدین ارموی. این نام و لحن در موسیقی معاصر معمول نیست.



غزال [Qazāl]: خواننده قدیمی و همدوره با داریوش رفیعی که ترانه معروف: یک حمومی من بسازم او کلاسیک شده است.

شعر ترانه یک حمومی از علی اکبر شیدا و تنظیم آن از ابراهیم سرخوش است.

غزال [Qazāl]: رقاصه و خواننده زن در دوران ناصری که بهنگام اجرای برنامه لباس مردانه می پوشیده است.

غزال [Qazāl]: خواننده ساکن لس آنجلس با آلبوم: سرود زندگی با ۷ ترانه از سروده های: امیر متقیان، دکتر بهرام جعفری و مهناز وکیلی.

غزالی، امام محمد [Emām Mohammad Qazāli]: ابو حمید محمد بن محمد غزالی، از دانشمندان و فیلسوفان بزرگ ایران است که در باره هنر و علم و موسیقی میتوان به کتاب ارزشمند او: احیاءالعلوم الدین اشاره داشت. در این کتاب به سازها و آوازهای صوفیان مفصلاً اشاره شده و بر رد نظر مبلغین مذهبی که موسیقی را حرام میدانند میگوید: موسیقی در اسلام حرام است چون خوش است پس آواز بلبل نیز که خوش است بایستی حرام باشد.

غزالی در سال ۵۰۵ هجری مطابق به ۱۱۱۱ میلادی چشم از جهان فرو بست.

آ،ا A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 و ات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وجدان O,o V,v (Cub) جوب U,u C,c Z,z زاله (Zale)

غزالی، مجدالدین [Majd-eddin Qazali]: برادر امام محمد غزالی که این دانشمند نیز در باره موسیقی کتابی دارد بنام «بواریق الالماء» که مخصوص صوفیان است.

غزالی مشهدی [Qazali Mashadi]: ملک الشعرا غزالی مشهدی از شاعران نام آور سده دهم هجری است که بیشتر عمر خود را در هند گذرانید. او در سال ۹۳۶ در مشهد دنیا آمد و در آن شهر، شاعری آغاز کرد. در اوان جوانی به دربار شاه تهماسب صفوی رفت. بخاطر جو ناسالم آن زمان به هندوستان رفت.

کتاب او «نقش بدیع» نام دارد. او نخستین شاعری است که در دولت گورکانی هند، مرتبه ملک الشعرائی یافت. وفات او در سال ۹۸۰ اتفاق افتاد. مثنوی های این شاعر بسیار معروف است. از کلیات اشعار او: کتابی به شماره Add 25,023 در کتابخانه موزه بریتانیا و کتاب نقش بدیع به شماره Supp 746 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

غزل [Qazal]: غزل را از دو دید موسیقی و شعر باید بررسی نمود. غزل در لغت به معنی سخن گفتن با زنان به طریق؛ وصف جمال معشوق و بیان حالت عشق و در شعر؛ ابیاتی چند است، متحد در وزن و قافیه که بیت اول آن مصرع باشد و از ۱۲ بیت هم تجاوز نکند. بیت های غزل را بین ۵ تا چهارده نوشته اند. غزل در موسیقی قدیم به اشعاری مانند ترانه و قسمتی از رباعیات و دو بیتی ها از جنس سرود و تصنیف اطلاق میشده است و در پیش از حمله اعراب به ایران در زمان ساسانیان، رونق بسیاری داشته است. غزل در اواخر سده پنجم یا اوائل سده ششم تحول یافت.

غزل باف [Qazal-bāf]: غزل پرداز، غزل گو.

غزل برداشتن [Qazal bardāstan]: غزل خواندن.

غزل پهلوی [Qazal Pahlavi]: ترانه پهلوی یا دو بیتی پهلوی.

غزل خوان [Qazal Xān]: غزل سرا، غزل گو، در حال غزل خواندن. غزل خوان را کنایه از مطرب گفته اند.

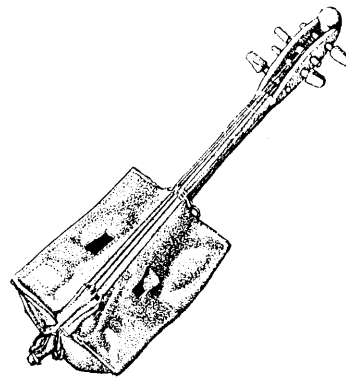
آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

غزل غزل‌ها [Qazal Qazalhâ]: نام کتابی از تورات (Cantique de Salomom). سرود سروده‌ها. غزل غزل‌ها را ازدواج سلیمان با دختر فرعون ذکر کرده‌اند.

غز غزه [Qezqeze] از آلات ابتدائی موسیقی با صدای غرغر، متعلق به اقوام غیر پیشرفته، متشکل از صفحه ای چوبی، استخوانی یا فلزی که در انتهای آن سوراخی موجود و نخ‌ی از آن عبور نموده است، صفحه بوسیله نخ می‌چرخد و صوت از آن خارج میشود.

غژک یا غیچک یا قیچک [Qezak ya Qeycak] سازی است رشته ای مقید که با آرشه یا کمانه نواخته میشود بهمین سبب اکثر فرهنگها آنرا کمانچه معنا کرده اند. ساختمان این ساز در شکل ساده‌اش تشکیل میشود از یک محفظه طنینی (پیت حلبی، جعبه چوبی، قوطی خالی روغن، نارگیل، کدو و امثال آن) که دسته‌ای بر آن نهاده اند و یک یا دو رشته سیم نیز بر آن استوار کرده‌اند و با کمانچه یا آرشه آنرا بصدا در می‌آورند.

شکل تکامل یافته غژک، همان ساز سرود یا رباب و یا سارنگی متداول در بلوچستان ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان است.



غژک، هنر سرا [Honarsarāye Qezak]: مکانی در تهران - کوی گیشا برای عرضه ادوات موسیقی، تعمیر و خرید و فروش آن‌ها.

غضایری [Qazāyeri]: ابوزید محمد بن علی غضایری رازی، از شاعران بزرگ و از مداحان امرای آخر دیلمی در ری و ستایشگر سلطان محمود غزنوی است. تاریخ وفات این شاعر ۴۲۶ هجری بوده

آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

است.

غضنفری، حسین [Hoseyn Qazanfari]: از خوانندگان مشهور تهران در دوره قاجاریه.

غفار کاشی، حسین [Hosein Gaffār Kāsi]: حاجی حسین غفار کاشی، از خوانندگان مشهور کاشان در عهد قاجار و از خوانندگان منبری این شهر بوده است. شمس‌الذکرین، از شاگردان اوست.

غفاری، حسین قلی [Hoseyn Qoli Qaffāri]: نوازنده چیره دست تار و سه تار و از شاگردان آقا حسین قلی و فرزند کمال‌الملک، نقاش معروف عهد قاجار.

حسین قلی غفاری بعدها به مکتب درویش خان رفت و از بهترین شاگردان او بود. او را در سه تار نوازی از شاگردان دیگر درویش برتر شمرده‌اند.

حسین قلی غفاری در جوانی و در سن ۲۹ سالگی (سال ۱۲۹۹ خورشیدی) چشم از جهان فرو بست.

غفاری، فخرالدین [Faxr-eddin Qaffāri]: نوازنده چیره دست ویلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۶ خورشیدی و همدوره با منصور یاحقی، سعادت‌مند قمی، یونس دردشتی و محمودی خوانساری.

غفاری، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Qaffāri]: محمد حسین غفاری صدابردار با تجربه رادیو تلویزیون ایران، در سال ۱۳۳۴ در شمیران بدنیا آمد و پس از پایان تحصیلات متوسطه به مدرسه عالی تلویزیون و سینما رفت و در رشته صدابرداری در سال ۱۳۵۵ فارغ‌التحصیل شد. غفاری علاوه بر صدابرداری سریالهای تلویزیونی، کار صدابرداری چند فیلم سینمایی را نیز انجام داده است، از آن جمله: دخترک کنار مرداب، پرده آخر، نیاز و خون بس.

غفاری، معزالدین [Mowez-eddin Qaffāri]: نوازنده زبردست تار و فرزند کمال‌الملک نقاش مشهور دوره قاجار.

غفوریان [Qafuriyan]: از خوانندگان پس از انقلاب و همدوره با بهروز ایانی، فرشید بنکدار، سیروس حقیقی، محمد باغبان و مهندس تیموری.

غلام [Qolām]: نوازنده زبردست ضرب در دربار مظفرالدین شاه و همدوره با میرزا علی اکبر سنتوری،

وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,ā (Voklān) وحدان V,ṽ O,o (Cub) جوب C,c U,u (Zāle) زاله Z,z (Xayyām) خیام X,x Y,y (Qarq) غرق Q,q جمع (Jamw) W,w J,ĵ (Sarkes) سرکش S,s K,k Š,š (Ādam) آدم A,a Ā,a

مرادخان (نوازنده تار)، حبیب (نوازنده ضرب) قلی خان و حاج قربان خان (خواننده).

غلام حسین [Qolám Hoseyn] آقا غلام حسین نوازنده زبردست تار، فرزند محمد رضا و برادر زاده آقا علی اکبر فراهانی است که موسیقی را از عمویش که از هنرمندان بزرگ دوره ناصرالدین شاه است، فرا گرفت.

آقا غلام حسین، پس از علی اکبر خان فراهانی، زبردست ترین نوازنده تار بوده است. از شاگردان غلام حسین خان میتوان به آقا میرزا عبدالله، آقا حسین قلی، نعمت اله خان معروف به اتابکی، یوسف خان صفائی، محمد علی خان مستوفی و آقا حسین تعزیه خوان، اشاره داشت.

غلام حسین [Qolám Hoseyn] غلام حسین خان تار ساز، صنعتگر معروف و همدوره با سید جلال.

غلام حسین [Qolám Hoseyn] میرزا غلام حسین، پدر سماع حضور که از نوازندگان مشهور کمانچه در عهد قاجار میباشد.

غلام حسین [Qolám Hoseyn] میرزا غلام حسین، تعزیه خوان مشهور عهد قاجار که جای عباس می خوانده است.

غلام حسین خان [Qolám Hoseyn Xán]: از شاگردان میرزا عبدالله و همدوره با جواد عبادی پسر بزرگ میرزا عبدالله، علی اکبر روحانی (محب السلطان)، سید حسین خلیفه، مرتضی صبا، رضا هندسی و اسماعیل قهرمانی.

غلامرضا شیرازی [Qolám - Rezâ Širâzi]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان میرزا حسین قلی استاد مسلم تار در دوره قاجاریه.

غلامرضا گاوی [Qolámrezâ Gávi]: حاج غلامرضا مشهور به گاوی، نوازنده چیره دست تار در ارکستر غلام حسین درویش بود. از جمله نوازندگان دیگر در این ارکستر میتوان به: دکتر مهدی منتظم الحکما، حسین هنگ آفرین نوازندگان سه تار، مشیر همایون و غلامرضا سالار معزز و یوسف فروتن نوازندگان پیانو و استاد علی نقی وزیری و اسماعیل قهرمانی که تار می نواختند اشاره داشت.

غلامعلی، علی [Ali Qolâm - Ali]: آهنگساز فعال پس از انقلاب که در کارنامه هنری خود ساخت موسیقی متن چند فیلم از جمله: زنگها، ساخته محمد رضا هنرمند، هشت و نیم، ساخته، اسماعیل رحیمزاده و همه با هم، ساخته محمد نوری زاده را دارد.

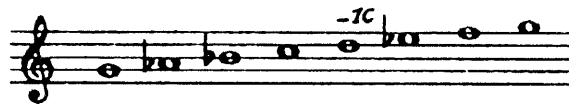
غلام مارگیر [Golâm Mârgir]: غلام مارگیر در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در روستائی نزدیک میناب بدنیا آمد. او بابای زارو مولودی خوان است. او نوازنده سما (دف) میباشد. غلام مارگیر از ۱۵ سالگی فرا گرفتن خوانندگی و نوازندگی دف را نزد پدر و پدربزرگش آغاز کرده است.

غلت [Qalt]: تحریر در آواز خواندن (TRILLE). حرکت سریع نغمه ای به نغمه ای دیگر در جهت زیر یابم.

غلت دادن [Qalt dâdan]: تحریر دادن، گردانیدن آواز، ترجیع صوت.

غم انگیز [Qamangiz]: گوشه ای است در آواز دشتی، شور و ابوعطا.

غم زده [Qamzade]: از مقامات موسیقی قدیم ایران است. یکی از چهل و هشت دور از ادوار ایقاعی صفی الدین ارموی است.



غناء [Qenâw]: سرود، نغمه، آواز خوانی، خنیاگری. این واژه را اعراب پس از حمله به ایران به جای کلمه موسیقی قرار دادند.

غنچک [Qencak]: لطفاً به غژک نگاه کنید.

غنچه [Qonce]: از الحان قدیم در موسیقی ایران.

غنچه کبک دری [Qonce Kabke Dari]: هفتمین لحن از الحان سی گانه بارید.

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفاسی) نوین برای درست خواندن

غُنْدُرود [Qond - Rud]: سازی است رشته ای مقید، از رده تنبور و هم از خانواده آلات موسیقی بادی. غُنْدُرود، سازی است قدیمی که یکهزار و صد سال پیش توسط نبطی ها و جرمقیان که ایرانی الاصل بوده اند، نواخته میشده است.

در بعضی فرهنگها آنرا نفیر یا بوق کوچک نوشته اند.

غُنه [Qonne]: آواز تو دماغی، تحریری از موسیقی.

غنی پور، عبدالمحمد [Abdol-Mohammad Qani-Pur]: عبدالمحمد غنی پور در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. او نوازنده چیره دست نی میباشد که آموزش های لازم را نزد جمشید عندلیبی و عبدالنقی افشارنیا آموخت. غنی پور ردیف های موسیقی را از استاد محمود کریمی فرا گرفت. او در حال حاضر در خانه فرهنگ شهرستان بروجرد به تدریس ساز نی می پردازد.

غنی زاده، محمد علی [Mohammad-Ali Qanizade]: نوازنده ویلن در ارکستر کانون موسیقی چنگ تهران به سرپرستی جهانگیر کامیان.

غنی زاده، میرزا محمود [Mirzā-Mahmud Qanizāde]: از پیشتازان نهضت مشروطیت. او در سال ۱۲۹۶ هجری در شهر شاهپور آذربایجان بدنیا آمد. این شاعر گرانقدر منشی ستارخان، سردار ملی بود که با تصویب انجمن ایالتی، روزنامه ای به نام «انجمن» تأسیس کرد. او سالها در برلین بسر میبرد و در سال ۱۳۰۵ خورشیدی پس از ۱۴ سال دوری از ایران به وطن بازگشت و روزنامه سهند را در تبریز انتشار داد.

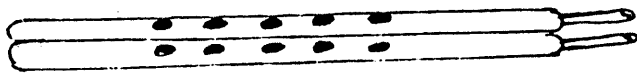
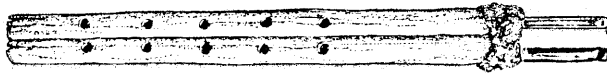
از این شاعر آزادخواه غزل و مثنوی هائی باقی مانده است. شاهکار غنی زاده کتاب «هذیان» است.

غنی کشمیری [Qani Kešmiri]: ملا محمد طاهر کشمیری متخلص به غنی از شاعران پارسی گوی کشمیر است. طایفه او از خراسان بوده و به همراه میر سید علی همدانی عارف مشهور به کشمیر مهاجرت کرده اند. او در سال ۱۰۴۰ هجری در شهر سرینگر کشمیر بدنیا آمد. او در جوانی و به سال ۱۰۷۹ درگذشت، ولی در همین زمان کوتاه اشعار بسیاری از او بجا مانده است. دیوان شعر این شاعر به شماره **Supp 956** در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

غنیمت پنجابی [Qanimat Panjābi]: محمد اکرم متخلص به غنیمت از شاعران سده دوازدهم هجری است. اثر معروف او: نیرنگ عشق یا شاهد و عزیز است. دیوان غزلهایش در ۱۹۵۸ میلادی در لاهور هند چاپ شده است. سال وفات او ۱۱۵۸ هجری است و مزارش در کنجاه هند میباشد.

غوش [Quš]: چوبی محکم و سخت در ساختن ابزار موسیقی و خدنگ و تیر سپاهیان و دوک زنان. به گوشی ساز هم اطلاق می شود.

غوشه [Quše]: سازی است بادی و هم چنین سازی است کوبه ای. ساختمان غوشه، وابسته به خانواده سازهای بادی، تشکیل شده از: دونای که در جوار یکدیگر قرار گرفته اند. تعداد سوراخهای غوشه برای هر نای ۵ سوراخ در رو و یک سوراخ در پشت است. طول لوله هر نای، ده سانتی متر است، زیانه، بر سر استوانه نای کار گذاشته میشود. این ساز را در داغستان شوروی بنام غوشه بالابان می گویند. غوشه وابسته به خانواده سازهای کوبه ای که به آن نقاره مضاعف می گویند، میباشد. غوشه نقاره در آذربایجان رایج است.



غوشه بالابان [Quše-balābān]: به ساز غوشه در داغستان شوروی اطلاق می شود.

غوطه، عباس [Abbās Qute]: عباس غوطه، معروف به عباس شمر، از تعزیه خوانهای مشهور ۵۰ سال گذشته در تهران است.

غیاثای شیرازی [Qyāsāy Širāzi]: غیاث الدین شیرازی معروف به غیاثای حلوائی از شاعران سده یازدهم هجری است. در پایان عمر بخاطر آبله کور شد و بخاطر کوری از حجره خود که در طبقه بالای دارالشفای اصفهان بود به پائین افتاد و فوت نمود. این واقعه در عهد شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ هجری) رخ داد. از او دیوان قصیده، ترکیب، ساقی نامه، غزل، قطعه و رباعی در حدود سه هزار بیت باقی مانده که به شماره Or 299 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شود.

غیاثیان، پرویز [Parviz Qyāsyan]: آهنگساز فعال پیش از انقلاب که با بسیاری از خوانندگان مشهور آن زمان همکاری مستمر داشت. آهنگ: نمیدونی تو بدون با صدای گوگوش. نه یکی نه دوتا با صدای روان بخش از نمونه کارهای این آهنگساز است. این آهنگساز، همکاری نزدیکی با زنده یاد فریدون فرخزاد داشت.

غیاثی، مهدی [Mehdi Qyāsi]: از نوازندگان مشهور ضرب که تصنیف های ضربی را نیکو می خواند و کارمند وزارت دارائی بود. او همدوره استاد حسین تهرانی، مهدی خالدی و محمود فرنام بود و سالها با قمرالملوک وزیری و اسماعیل کمالی نوازنده چیره دست تار همکاری داشت. مهدی غیاثی، هنرمندی بود شوخ و بذله گو که همیشه کارش را با طنز و شوخی شروع می کرد.

غیرت همدانی [Qeyrat Hamedāni]: از خوانندگان و موسیقی دان های عصر صفویه.

غَیْطَه [Qaytah]: سازی است بادی و دو زبانه، از رده سورنای. معادل این ساز در غرب، موزت (MUSETTE) میباشد.

غیوری، منوچهر [Manucehr Qayuri]: منوچهر غیوری در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در نجف آباد اصفهان بدنیا آمد. از ۱۳ سالگی، موسیقی را با خواندن آغاز کرد. او از شاگردان ممتاز استاد حسن کسائی بود. در سال ۱۳۵۵ وارد هنرکده عالی موسیقی تهران شد و پس از فراغت از تحصیل به اصفهان بازگشت، و در سال ۱۳۶۷، همکاری خود را با رادیو تلویزیون اصفهان آغاز نمود. او دارای گنجینه ای از قدیمی ترین صفحات و آثار هنرمندان قدیمی ایران است.